



کتاب اول
تاسا حل آرامش

...

فانوس دانایی

شناخت های لازم در زندگی مشترک

زندگی یادگرفتنی است.

زندگی را یاد بگیریم.

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: فانوس دانایی: شناخت‌های لازم در زندگی مشترک / نویسنده محسن عباسی ولدی؛
 تصویرگر حمید قالیجاری؛ ویراستار سیدمحمد دلال موسوی.
 مشخصات نشر: قم: آیین فطرت مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص.؛ مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 فروست: تا ساحل آرامش. زندگی یادگرفتنی است، زندگی را یاد بگیریم؛ کتاب اول.
 شابک: دوره: ۰۸۶-۰۳۱-۸۰۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۱: ۰۹-۰۳-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر: گام‌های موفقیت در زندگی مشترک.
 موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی - اسلام
 Domestic education -- Religious aspects -- Islam*
 موضوع: والدین و کودک -- جنبه‌های مذهبی - اسلام
 Parent and child -- Religious aspects -- Islam
 موضوع: رفتار والدین
 Parenting
 شناسه افزوده: خاکسار، ایمان، تصویرگر
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج۲۲/۴/۲۵۳/۴ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۴۴۵۶

• **تا ساحل آرامش (کتاب اول)** •

نویسنده: محسن عباسی ولدی
 ناشر: آیین فطرت
 مدیر هنری و طراح جلد: سیدحسن موسی زاده
 تصویرگر: حمید قالیجاری
 گرافیک و صفحه‌آرا: سعید صفارنژاد
 ویراستار: سیدمحمد دلال موسوی

• www.abbasivaladi.ir •

ارتباط باناشر: ۰۲۵-۳۳۲۲۱۶۶۲
 سامانه پیامکی ناشر: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰
 چاپ و صحافی: مؤسسه بوستان کتاب
 نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۶
 شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان
 مرکز پیش: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۹۲
 با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا
 ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
 • www.bookroom.ir •
 سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۰۳۰۲۲

کلیه حقوق محفوظ است.

•••

تقدیم به او که بندهٔ خدا بود و نامش عبد الله ﷺ
و به همسراو که دامانش مامن بود و نامش آمنه رضی الله عنها
چه زیبا ثمری داشت درخت زندگی‌شان
که محمد ﷺ شد و فاتح قلّه هستی.

فهرست تاساحلی آرامش / کتاب اول

- ۱۳ مقدمه ناشر
- ۱۵ درآمد

پیش‌گام

لحظه‌ای درنگ (اهمیت یادگیری و به کارگیری قواعد زندگی مشترک)

- ۲۱ اهمیت خانواده
- ۲۳ خانواده خوب، فرزند صالح
- ۲۷ خوب بودن برای خانواده معیار ارزشمندی در پیشگاه الهی

گام اول

آمدنم بهره چه بود؟ (هدف از آفرینش و نقش آن در زندگی مشترک)

پرسش‌های شما

- ۴۳ شاخص‌های خوش‌بختی
- ۴۳ قانون خوش‌بختی
- ۴۹ تحلیل احادیثی که ملاک‌های عامیانه را تأیید می‌کنند
- ۵۳ هدف از بچه‌دار شدن
- ۵۳ بچه‌دار شدن، نیازی غریزی
- ۵۳ اصالت رفاه، یکی از دلایل بی‌انگیزگی
- ۵۴ هدف از زندگی و بچه‌دار شدن
- ۵۴ نگاه دینی به بچه‌دار شدن
- ۵۸ بُعد اجتماعی بچه‌دار شدن

- ۶۱ الف) هزینه نگهداری سالمندان
- ۶۶ ب) کم شدن نیروی کار و در نتیجه، کاهش تولید
- ۶۷ ج) مهاجرت
- ۶۸ د) ضعیف شدن نیروی دفاعی کشور
- ۶۹ ه) کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور

گام دوم

نشانه‌شناسی موفقیت (نشانه موفقیت در زندگی مشترک چیست؟)

- ۷۸ الف) اگر کفویت نبود
- ۷۹ ب) اگر کفویت بود

پرسش‌های شما

- ۸۵ احساس عدم کفویت در دوران عقد
- ۸۵ توجه به مرحله‌ای که در آن هستید
- ۸۶ رابطه خوب و تأثیر پذیری دو نکته امیدوار کننده
- ۸۷ توجه به ارزش کاری که انجام می دهید
- ۸۸ مراقب وظایف دینی خود باشید
- ۸۹ اهمیت قیافه
- ۹۱ انتخاب نادرستی کرده‌ام و حالا دودختر دارم. زندگی یا طلاق؟
- ۹۱ طلاق، واقعاً بد است؛ افا...
- ۹۲ تبعات جدایی در مراحل مختلف
- ۹۲ صبر فعال برای خاطر بچه‌ها
- ۹۳ صبر برای خدا
- ۹۷ ازدواج خیابانی کرده‌ام. حالا چه کنم؟
- ۹۷ فراموش کردن گذشته
- ۹۸ تلاش برای ساختن
- ۹۸ پرهیز از نصیحت و تذکر بسیار
- ۹۸ پُتک نکردن گذشته
- ۹۹ عدم انتقال حالت پشیمانی و بی‌محبتی
- ۹۹ ابراز محبت بسیار و احترام ویژه
- ۱۰۰ عدم بسختگیری
- ۱۰۰ استفاده از نامه
- ۱۰۰ انجام دادن وظیفه
- ۱۰۴ مدارا

گام سوم

سنگ محک (برای تصمیم‌هایمان، ملاک ثابت و صحیحی داشته باشیم)

پرسش‌های شما

- ۱۲۳ برآورده نشدن توقعات اقتصادی من به وسیله همسر خوبم!
- ۱۲۴ هدف زندگی چیست؟
- ۱۲۵ درک شرایط زندگی یکی از بهترین راه‌های رسیدن به خدا
- ۱۲۷ توجه به خوبی‌ها
- ۱۲۹ توجه به سنت شکرگزاری
- ۱۲۹ بررسی دلایل این ازدواج
- ۱۲۹ ۱. ترس از ازدواج خواهر کوچک‌تر
- ۱۳۰ ۲. دل‌سوزی
- ۱۳۰ ۳. رضای خدا
- ۱۳۰ سرمایه‌یک زندگی موفق
- ۱۳۱ بازتاب پخش این پرسش
- ۱۳۱ اصلاح نگاه به زندگی
- ۱۳۲ توجه به خوبی‌ها
- ۱۳۳ رسول خدا ﷺ، الگوی ما
- ۱۳۵ سادگی در مهمانی‌ها

گام چهارم

من و محور مختصات عالم (جایگاه خود را در عالم هستی بشناسیم)

پرسش‌های شما

- ۱۵۵ شاغل نبودن زن و احساس بطالت
- ۱۵۵ دلایل اشتغال یک مادر
- ۱۵۶ الف) نیاز اقتصادی در حد اداره حداقلی زندگی
- ۱۵۶ ب) نیاز اقتصادی برای ایجاد زندگی بهتر
- ۱۵۶ ج) احساس نیاز به استقلال اقتصادی
- ۱۵۶ د) نیاز به حضور اجتماعی
- ۱۵۷ ه) شخصیت (پرستیز) اجتماعی
- ۱۵۷ و) پاسخ‌گویی به نیاز جامعه
- ۱۵۷ قضاوت در باره این دلایل
- ۱۶۱ مادر در خانه چه کند؟
- ۱۶۱ الف) مطالعه

- ۱۶۴ (ب) صرف وقت برای عمل به آنچه فهمیده‌ایم
- ۱۶۵ (ج) کارهای هنری و خیریه
- ۱۶۶ اشتغال زنان و بحران بیکاری
- ۱۶۹ شغل‌های اختصاصی زنان
- ۱۷۰ وظیفه مادران شاغل
- ۱۷۳ سخن گفتن از وظایف زنان پرتوقع و زورگو شدن مردان
- ۱۷۴ تشکر از انتقاد صریح
- ۱۷۴ تلاش ما، پرهیز از جهت‌گیری خاص در پاسخ‌ها
- ۱۷۴ هدف زندگی را فراموش نکنید
- ۱۷۵ تحلیل دقیق روایات
- ۱۷۶ نگاه منصفانه به مباحث رسانه‌ای خانواده
- ۱۷۹ ترس از رفاه‌زدگی در صورت پاسخ دادن به نیازهای زن
- ۱۷۹ تأمین آسایش از وظایف مرد خانه
- ۱۸۰ اقتصاد محوری، زمینه ایجاد این نگرانی

گام پنجم

تورامی‌شناسم؟ (روحیات و حساسیت‌های همسران را بشناسیم)

- ۱۸۶ روحیات و حساسیت‌های نوعی
- ۱۹۲ روحیات و حساسیت‌های شخصی
- ۱۹۲ زمان به دست آوردن روحیات شخصی
- ۱۹۲ الف) قبل از ازدواج و در زمان خواستگاری
- ۱۹۳ ب) دوران عقد
- ۱۹۳ ج) دوران زندگی مشترک
- ۱۹۴ راه‌های به دست آوردن روحیات شخصی
- ۱۹۴ الف) گفتگو
- ۱۹۴ ب) آشنا شدن با واکنش‌های همسر

پرسش‌های شما

- ۱۹۹ مرز احترام به روحیات و حساسیت‌ها
- ۱۹۹ شرع، خط قرمز احترام به حساسیت‌ها
- ۱۹۹ حساسیت‌هایی که مخالف شرع نیستند
- ۲۰۱ عدم رضایت شوهر به ادامه تحصیل همسر
- ۲۰۱ سخنی با جوانان
- ۲۰۲ توجه به رفتار خویش
- ۲۰۲ پرسش از دلیل مخالفت
- ۲۰۳ سنجش عقلا نه

- ۲۰۴ راه کسب علم منحصر به دانشگاه رفتن نیست
- ۲۰۴ تصمیم‌گیری در دوران عقد
- ۲۰۷ حساسیت همسر در مورد فامیل
- ۲۰۸ حفظ آرامش خانه، وظیفه اصلی
- ۲۰۸ ناراحتی فامیل یا نارضایتی همسر؟
- ۲۰۸ اصرار زیاد، ایجاد حساسیت بیشتر
- ۲۰۹ گفتگوی شخص سوم بیرون از محیط خانواده و فامیل با همسران
- ۲۰۹ شیوه‌های مختلف صلّه رّحم

گام ششم

نگاهی دوباره به خویش (عیب‌هایمان را بشناسیم)

- ۲۱۵ انتقاد‌پذیری راهی برای یافتن عیب‌ها
- ۲۱۸ نکاتی درباره شیوه انتقاد
- ۲۱۸ الف) زمان انتقاد
- ۲۱۹ ب) مکان انتقاد
- ۲۱۹ ج) زبان انتقاد
- ۲۱۹ د) انتقاد غیرمستقیم
- ۲۲۰ ه) میزان انتقاد
- ۲۲۱ و) گفتن خوبی‌ها در کنار عیب‌ها
- ۲۲۱ ز) قالب انتقاد
- ۲۲۱ ح) نیت انتقاد
- ۲۲۲ ط) حفظ حریم خصوصی

پرسش‌های شما

- ۲۲۵ چگونه روحیه نقد‌پذیری پیدا کنیم؟
- ۲۲۵ تفکر
- ۲۲۶ بازکردن راه دیگران برای انتقاد
- ۲۲۷ فرق انتقاد با عیب‌جویی
- ۲۲۹ زمینه‌سازی برای انتقاد
- ۲۳۳ تذکر مادر به پسری که با او رودربایستی دارد
- ۲۳۳ عیب رابطه‌های همراه با تعارف
- ۲۳۴ رفاقت، بهترین رابطه
- ۲۳۴ توصیه‌هایی برای ایجاد رابطه رفاقت‌آمیز
- ۲۳۴ ۱. مشورت
- ۲۳۵ ۲. درد دل
- ۲۳۵ ۳. خوب دیدن کارهای خوب

- ۲۳۵ ۴. همدردی و کمک به حل مشکلات
- ۲۳۶ ۵. ابراز محبت
- ۲۳۶ ۶. احترام گذاشتن
- ۲۳۶ بیان تذکر در قالب نامه
- ۲۳۸ توسل جستن

گام هفتم

تو مومی بینی و او پیچش مو! (مشاوره را کمک بدانیم، نه دخالت)

- ۲۴۲ ویژگی‌های مشاور
- ۲۴۳ ۱. عاقل بودن
- ۲۴۴ ۲. خدا ترس بودن
- ۲۴۴ ۳. صاحب نظر بودن
- ۲۴۵ ۴. خیرخواه و دل سوز بودن
- ۲۴۵ ۵. مقید به دین بودن
- ۲۴۶ ۶. راز دار بودن
- ۲۴۷ ۷. بردبار بودن
- ۲۴۷ ۸. با تجربه بودن
- ۲۴۸ ۹. دور اندیش بودن
- ۲۴۸ ۱۰. شجاع بودن
- ۲۴۹ ۱۱. دور بودن از بخل و حرص
- ۲۵۰ نکات مشاوره
- ۲۵۲ حکمیت، مشاوره‌ای خانوادگی در اختلافات جدی

پرسش‌های شما

- ۲۵۹ مشاوره و افزایش آمار طلاق
- ۲۵۹ سخنی با دوستان مشاور
- ۲۶۰ تفاوت نگاه غربی و دینی به خانواده و طلاق
- ۲۶۵ مشاوره اشتباه
- ۲۶۷ چرا شما کاری نکرده‌اید؟
- ۲۶۹ تعارض در حرف‌های مشاوران
- ۲۶۹ غیر قابل انکار بودن این تعارض‌ها
- ۲۷۰ با این تعارض‌ها چه کنیم؟
- ۲۷۳ میزان اعتماد به کتب تربیتی موجود در بازار کتاب
- ۲۷۳ تفاوت جهان بینی دینی و غربی
- ۲۷۵ آشنایی با مبانی دینی پیش از استفاده از راه‌کارهای غربی
- ۲۷۷ منابع

• | مقدمه ناشر

مجموعهٔ *تاساحل آرامش*، مباحثی است که در برنامهٔ «پرسمان تربیتی رادیو معارف»، طرح شده است. این مجموعه در بهار سال ۱۳۹۰ انتشار یافته و تا به امروز حدود پنجاه بار به دست چاپ سپرده شده است.

استقبال شما از این مجموعه، ما را بر آن داشت تا در محتوا و قالب کتاب، بازنگری کنیم. امروز در حالی مجموعهٔ *تاساحل آرامش* را به دست گرفته‌اید که چند تغییر اساسی در آن ایجاد شده است: الف) پیش از این، *تاساحل آرامش*، در پنج کتاب منتشر می‌شد. سه جلد اول با موضوع «گام‌های موفقیت در زندگی مشترک» و جلد چهارم و پنجم، «پاسخ به پرسش‌های شما در زمینهٔ زندگی مشترک» بود؛ اما از این پس *تاساحل آرامش*، در چهار کتاب، منتشر می‌شود. کتاب اول در بارهٔ شناخت‌های لازم در مسیر موفقیت در زندگی مشترک است. موضوع کتاب دوم و سوم «باید»هایی است که لازم است در مسیر موفقیت در زندگی مشترک، به کار گرفته شود. کتاب چهارم هم از «نباید»های زندگی مشترک سخن می‌گوید. ب) در چاپ‌های گذشته، پرسش و پاسخ‌ها دو جلد مستقل را

به خود اختصاص داده بود؛ اما در چاپ جدید، پرسش و پاسخ‌های مربوط به هر گام، پس از پایان مباحث آن گام می‌آید. (ج) متناسب با مباحث طرح شده، متن‌هایی ادبی آمده تا علاوه بر این که لطافتی به کتاب می‌بخشد، مکملی هم برای مطالب باشد.

(د) پرسش‌هایی که پس از چاپ مجموعه *تاساحل آرامش*، در برنامه «پرسمان تربیتی خانواده» از «رادیو معارف» مطرح شده و متناسب با مباحث کتاب بوده، در چاپ جدید به کتاب، افزوده شده است.

(ه) برای هر کتاب از مجموعه *تاساحل آرامش*، نام مستقلی گذاشته‌ایم.

(و) پیش از این، *تاساحل آرامش*، از سوی انتشارات جامعه الزهراء ع و با مشارکت رادیو معارف منتشر می‌شد، از این پس، این مجموعه با همکاری انتشارات «آیین فطرت» و رادیو معارف، منتشر خواهد شد.

در این جا بر خود لازم می‌دانیم از همه کسانی که در انتشار مجموعه *تاساحل آرامش*، ما را یاری کرده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم. امیدواریم خداوند، ما را در راه استحکام بنیان خانواده، یاری کند.

سامانه پیامکی (۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰) منتظر دریافت هرگونه نظرو پیشنهاد شما درباره این کتاب می‌ماند.

انتشارات آیین فطرت

• | درآمد

دریا آرام اگر باشد، ولی فانوس دریایی روشن نباشد، در صفحه تاریک شب معلوم نیست، ساحل را پیدا کنی. در میان تلاطم موج‌ها، وقتی نگاهت به فانوس دریایی گره می‌خورد، امید در چشمانت برق می‌زند. از تلاطم نترس، این تاریکی است که وحشتناک است.

با فانوس دانایی، راه رسیدن از دریا به ساحل را پیدا کن. اگر مقصدت را درست شناسی، راه زندگی را نمی‌شود طی کرد. حیرت و سردرگمی، عاقبت کسی است که بی آن که هدف را بشناسد، راه را طی می‌کند. تو مسافر این راهی. چرا خودت را نشناخته، دل به دریا زده‌ای؟ راستی تو که تنها نیستی. همسفری هم داری. می‌شود همسفر را شناخته، سفر را آغاز کرد؟

فانوس دانایی اگر روشن نباشد، دیگر دریا راه پیمودن نیست، گمراهی غرق شدن است. مقصد اگر خداست، در مسیر نیز همراهت هست. یک دستت را روی دوش آسمان بگذار و با دست دیگری خورشید را بگیر و نگاهت را به راه بدوز. سفر بخیر مسافر!



آنچه پیش روی شماست، کتاب نخست از مجموعهٔ تاساحل آرامش است. ما در این کتاب، از شناخت‌هایی سخن گفته‌ایم که بدون آن نمی‌شود مسیر زندگی مشترک را طی کرد.

پیش از آغاز گام‌ها از اهمیت یادگیری و عمل کردن به قواعد زندگی مشترک سخن گفته‌ایم تا کسی گمان نکند یادگیری و عمل به این قواعد، در حاشیهٔ زندگی انسان قرار دارد. کسی که قواعد زندگی مشترک را در متن دغدغه‌های خود قرار نمی‌دهد، معلوم است با جایگاه این قواعد در مسیر زندگی خود آشنا نیست. پس از این، در گام اول به سراغ هدف رفته و از شناختن مقصد، حرف زده‌ایم. ضرورت شناخت هدف، در تعیین مسیر زندگی به قدری روشن است که نیازی به توضیح در این مقدمه ندارد.

در گام دوم، دربارهٔ نشانهٔ موفقیت در زندگی مشترک، بحث کرده‌ایم. وقتی ما سنگ محکی برای موفقیت خود در زندگی مشترک نداشته باشیم، چه بسا شکست‌هایمان را موفقیت پنداشته و موفقیت‌هایمان را شکست بدانیم.

جهت زندگی ما را تصمیم‌هایی معین می‌کند که هر ساعت و هر روز، منتظر اراده‌های ما هستند. برخی از ملاک‌های ما برای تصمیم‌گیری، زندگی را از هدف خود دور می‌کند. در گام سوم، در بارهٔ ملاک‌های درست و نادرست تصمیم‌گیری سخن گفته‌ایم.

زن و مرد در آفرینش تفاوت‌هایی دارند. تفاوت در آفرینش، به جهت وظایفی است که خالق انسان بر دوش مرد یا زن گذاشته است. کسی که در مسیر زندگی به ویژگی‌های جسمی و روحی خود توجه نمی‌کند، نمی‌تواند به هدف آفرینش خویش برسد. گام

چهارم خود را مؤظف می‌داند جایگاه زن و مرد را به ما معرفی کند تا براساس آن، وظایف خود را در مسیر آفرینش خویش تشخیص دهیم.

ما اگر از روحيات همسرمان با خبر نباشیم، چه بسا در ارتباط با او از ما رفتارهایی سر بزند که در روابطمان مشکلات بسیاری را تولید کند. گام پنجم به ما می‌گوید که چگونه با روحيات نوعی و شخصی همسرمان آشنا شویم تا در رابطه با او دچار مشکل نشویم.

کسی که شناخت صحیحی از عیب‌های خویش ندارد، نمی‌تواند مسیر زندگی را با همسر خود به خوبی طی کند. شناخت عیب‌ها، یکی از اصلی‌ترین مراحل شناخت خویش است. موضوع گام ششم نیز لزوم شناخت عیب‌های خویش است.

زندگی، راه پرپیچ و خمی است که نمی‌شود آن را به تنهایی طی کرد. باید از عقل انسان‌های دنیادیده و باتجربه برای عبور از تنگناها و راه‌های صعب‌العبور، استفاده کرد. مشاوره، ضمیمه کردن عقل‌های دیگران به عقل خویش است. ما در گام هفتم از اصول صحیح مشاوره و ویژگی‌های یک مشاور دینی سخن گفته‌ایم.

«فانوس دانایی» به همراه خود ضمیمه‌ای ادبی هم دارد. «دندان این طمع، از جنس الماس است، آن را نمی‌کنم» نام ضمیمه ادبی این کتاب است. ما توصیه می‌کنیم، پس از مطالعه این کتاب، حتماً به سراغ ضمیمه ادبی آن هم بروید. حال و هوایی که ضمیمه ادبی در وجودتان ایجاد می‌کند، سرمایه خوبی برای عمل کردن به مطالبی است که در این کتاب می‌خوانید.

امید است با روشن شدن چراغ دانایی، زندگی ما از بند تاریکی
رها شود تا زندگی مشترک ما، مسیری شود برای پیمودن راه خود
تا خدا.

قم، شهر بانوی کرامت
تیرماه ۱۳۹۴
محسن عباسی ولدی

پیش‌گام • لحظه‌ای درنگ •



اهمیت یادگیری و به کارگیری قواعد زندگی مشترک

آنهایی که رفتارشان با اهل خانه، حساب و کتابی ندارد
روی جایگاه خانواده در عالم، لحظه‌ای درنگ کنند.



پیش از این که به سراغ «گام‌های موفقیت در زندگی مشترک» برویم، خوب است اندکی در باره اهمیت زندگی مشترک صحبت کنیم؛ زیرا با دانستن جایگاه زندگی مشترک، انگیزه بیشتری برای عمل کردن به این گام‌ها پیدا خواهیم کرد.

• | اهمیت خانواده

زیر سقف کبود این آسمان، نهادهای اجتماعی فراوانی وجود دارد: مدرسه، دانشگاه، بازار و...؛ اما در این میان، نهادی که بیش از همه در پیشگاه خداوند محبوب است، نهاد خانواده است. از همین رو، ازدواج به دلیل این که عامل تشکیل خانواده است، محبوب‌ترین پیوند و طلاق، برهم زنده این نهاد، از مبعوض‌ترین حلال‌هاست.^۱ خداوند هرکسی را که گامی در جهت جدایی یا ایجاد مشکل در این نهاد بردارد، در دنیا و آخرت، شایسته خشم و لعنت

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «چیزی در نزد خداوند ﷻ محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام به وسیله ازدواج، آباد گردد و چیزی هم در نزد خداوند ﷻ مبعوض‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام به وسیله جدایی، یعنی طلاق، خراب شود» (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸).

خویش و سخت‌ترین عذاب‌ها می‌داند.^۱

•••

تورا دوست دارم؛ چون خدا دوستت دارد. اگر می‌دانستم این اندازه محبوب خدایی، زودتر تشکيلت می‌دادم. حالا که تورا دارم، هم خوش‌حالم و هم دست و پایم می‌لرزد. خوش‌حالم که محبوب‌ترین را دارم. می‌لرزم از این که اگر روی صفحه سفید تو، لگه‌ای از نادانی و غفلت من بیفتند، حسابم با خداست. عجب مدافع سرسختی داری خانواده! اگر کسی چشم‌چپ نگاهت کند، نان سفره زندگی‌اش، خشم الهی و آب کوزه‌های خانه‌اش، زهر چشمی است که خدا از او می‌گیرد. من دوستت دارم. نمی‌خواهم خم به ابروی تو بیاید. محبوب‌ها، ناز، بسیار دارند. می‌دانم که حساسی. برای همین هم آمده‌ام یاد بگیرم نگاه داشتن تورا. خدایا! نادانی‌ام را به علم و غفلتم را به هشیاری بدل کن تا یار و نگه‌دار محبوب تو باشم.

•••

حالا که خانواده تا این اندازه ارزشمند است، آیا نباید به قواعدی که بنیان خانواده را مستحکم می‌کند، اهمّیت ویژه داد؟ آیا آنچه در نزد خداوند محبوب است، در کنار هم بودن یک زن و مرد به عنوان زن و شوهر است؟ یا خانواده‌ای که با تفاهم و همدلی، راه آفرینش را با آرامش هر چه بیشتر طی کند؟

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کسی که کاری در جهت جدایی میان زن و شوهر انجام دهد، خشم خدا در دنیا و آخرت، بر او خواهد بود و بر خداست که [در روز قیامت] هزار صخره آتش بر او بیفتند. اگر هم در مسیر ایجاد فساد و [اختلاف] در میان آنها گام بردارد، اما آنها را از هم جدا نکند، باز هم در دایره خشم الهی است و خداوند در دنیا و آخرت، او را لعنت می‌نماید و نگاه [رحمت خویش] به روی او را حرام می‌کند» (ثواب الأعمال، ص ۲۸۸).

• خانواده خوب، فرزند صالح

برای این که با اهمیت یادگیری قواعد زندگی مشترک، بیشتر آشنا شویم، از زاویه‌ای دیگر، این مسئله را بررسی می‌کنیم.

حتماً شما هم قبول دارید اصلی‌ترین ثمره زندگی مشترک، فرزند است؛ ثمره‌ای که می‌تواند انسان را به سعادت برساند^۱ و زندگی را برای او تبدیل به بهشت کند.^۲ از آن سو، فرزند بد، زندگی را برای انسان، به جهنم تبدیل کرده، لگنه ننگی برای پدر و مادر خویش می‌شود.^۳

بسیاری از ما در دنیای امروز به دنبال پیدا کردن راهی هستیم که بتوانیم به بهترین و راحت‌ترین شیوه، فرزندان سالم و صالحی را تربیت کنیم.

باید پذیرفت تربیت موفق فرزند و فرزند موفق، در گرو ایجاد فضایی صمیمی و جذاب در خانواده است. پدر و مادری که نتوانند محیطی را در خانه ایجاد کنند که فرزندان در آن، احساس آرامش و خوش بختی کنند، زمینه گرایش فرزند به محیط خارج از خانه را فراهم کرده‌اند؛ فرزندی که از محیط خانواده، فراری است و به محیط بیرون، علاقه بیشتری پیدا می‌کند؛ فرزندی که رابطه صمیمی را به جای این که با پدر و مادر تجربه کند، با دوست خود

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «فرزند صالح، از سعادت انسان محسوب می‌شود» (الکافی، ج ۶، ص ۳).

۲. رسول خدا ﷺ فرمود: «فرزند صالح، دسته گلی از گل‌های بهشت است» (همان جا).

۳. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «فرزند ناشایست، شرافت را از بین می‌برد و نیاکان را بدنام می‌کند» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۵).

برقرار می‌کند، فرزندی که درد دل‌ها و مشکلات خود را در محیط رفاقت، مطرح می‌نماید و از باز کردن سفرهٔ دل خویش در نزد پدر و مادر، پرهیز می‌کند، تربیت او هم به عهدهٔ محیط خارج از خانه خواهد بود و پدر و مادر در این میانه، کمترین نقش را ایفا خواهند کرد. این، یک زنگ خطر است. فضای بیرون از خانه، محیط امنی نیست. در وضعیت کنونی، محیط خارج از خانواده، پُر از عواملی است که می‌تواند فرزند ما را از هستی ساقط کند. اگر کسی چشم بینایی برای دیدن عوامل ضدّ تربیتی در جامعه و گوش شنوایی برای شنیدن زنگ خطر داشته باشد، معنای تربیت شدن فرزند در محیط خارج از خانه را می‌فهمد. وقتی هم این زنگ خطر را شنید، تمام همّتش را به کار می‌بندد که محیط خانه را محیطی سرشار از صمیمیت و محبّت کند.

اولین و مهم‌ترین عامل برای جذب شدن محیط خانه، وجود ارتباطی صمیمی و محبّت‌آمیز میان پدر و مادر است. رابطه‌های تنش‌آلود و خشن میان پدر و مادر، بیش از فقر و تنگناهای اقتصادی، بر روح فرزند، اثر منفی می‌گذارد. فرزند در سنینی که نمی‌تواند مفهوم بسیاری از سختی‌ها، مثل فقر را بفهمد، به راحتی فرق بین رابطهٔ خوب و رابطهٔ بد میان پدر و مادر را متوجّه می‌شود. دعوای پدر و مادر، حتّی در سنین پایین هم بر روح و ذهن کودک، اثر منفی می‌گذارد. فرزندان که در خانواده‌های فقیر، اما صمیمی زندگی می‌کنند، نسبت به فرزندان که در خانواده‌های خشک و غیرصمیمی، اما با توان اقتصادی بالا زندگی می‌کنند، از مصونیت بیشتری در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی برخوردار هستند. اتفاقاً

پول، در خانواده‌های پُرتنش، عاملی در جهت لغزش‌های راحت‌تر و بیشتر برای فرزند است.

•••

پدرم! مادرم! این‌طور نگاهم نکنید. می‌دانم سر تا پایم مایهٔ آزار شماست. سرافراشتهٔ شما در میان مردم، با کارهای من، رو به زمین فرود آمده. این نقش شرمی که روی صورت شماست، از خجالت، آبم کرده. باشد، همهٔ تقصیرها گردن من؛ اما یک بار هم که شده، از بالا به زندگی‌مان نگاه کنید و به این پرسش‌ها جواب دهید:

پدر! چرا وقتی به خانه می‌آمدی، ابروانت در هم بود و سلام خشکت، بیش از آن که بخواهد روحی در کالبد خستهٔ خانهٔ ما بدمد، بوی مرگ را به خانه می‌آورد؟

مادر! چرا وقتی پدر به خانه می‌آمد، آهنگ جواب سلامت، خبر از آتشی در زیر خاکستر می‌داد، به قدری که زمین خانه را داغ می‌کرد؟ داغی زمین، تاب آوردن در خانه را برایم دشوار می‌کرد. وقتی بهانه‌ای برای بالا بردن صدایتان پیدا می‌شد، زمین داغ زیر پایم می‌لرزید. می‌شود بگویید چند روز از هفته، نه، چند روز از ماه را، اصلاً بگویید تا به حال چند روز، به جای این زلزله‌ها در خانه‌مان هلهلهٔ شادی بوده؟ هلهله هم پیش‌کش، خانه‌مان چند روز آرام بوده و ته‌رنگ شادی روی رُخش نشست؟ من از این خانه، بیرون که می‌زدم، از داغی زمین خانه و زلزله‌های پی در پی، خبری نبود. دست نوازشی که دوست‌نماها بر سرم می‌کشیدند، آرامشی به من می‌داد که در خانه به دنبالش بودم. باقی قصه، گفتن ندارد. باشد، همهٔ تقصیرها گردن من؛ اما از من که گذشت، به فکر خواهرم باشید.

•••

این نکته، قابل انکار نیست که هر چه میان پدر و مادر، تنش



باید پذیرفت تربیت موفق فرزند و فرزند موفق، در گرو ایجاد فضایی صمیمی و جذاب در خانواده است. اولین و مهم‌ترین عامل برای جذاب شدن محیط خانه، وجود ارتباطی صمیمی و محبت‌آمیز میان پدر و مادر است.



بیشتری باشد، احتمال ناخلف شدن فرزند هم بیشتر است؛ اما چه کنیم که محیط خانه، از خطر خشکی و آفت بگو مگوهای بی‌اندازه، مصون باشد؟ شما با رعایت نکته‌هایی که در این نوشتار آمده، می‌توانید بر صمیمیت رابطه خود با همسرتان بیفزایید تا زمینه جداییت محیط خانواده را هر چه بیشتر فراهم کنید.

• خوب بودن برای خانواده معیار ارزشمندی در پیشگاه الهی

از بُعدی دیگر، باز هم ضرورت یادگیری قواعد زندگی مشترک، جلوه بیشتری می‌یابد. در فرهنگ دینی، معیارهای مختلفی برای سنجش خوب و بد بودن انسان‌ها ارائه شده است. انسان با شناخت این معیارها، می‌تواند میزان رشد و سقوط خود را در مسیر آفرینش، تشخیص دهد. شیوه رفتار انسان در خانواده، از اصلی‌ترین معیارها برای سنجش رشد یا سقوط انسان است.

از نگاه دین، کسی که در زندگی مشترک، حقوق همسر خویش را ادا کند، از بهترین انسان‌هاست و برعکس، هر که در رابطه با همسر خویش، اهل به انجام رساندن وظیفه نباشد، از بدترین انسان‌ها محسوب می‌شود.^۱

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس زنی داشته باشد که او را آزار می‌دهد، خداوند، نماز و کارهای نیک آن زن را نمی‌پذیرد تا وقتی که به همسرش کمک کند و رضایتش را جلب نماید. اگر این زن، تمام عمر را روزه بگیرد و [به عبادت] بایستد و برده آزاد کند و اموالش را در راه خدا انفاق کند، [باز هم] اولین کسی خواهد بود که وارد آتش می‌شود». ایشان، سپس در ادامه فرمود: «در صورتی که مرد هم آزار دهنده و ظالم باشد، بر او نیز چنین بار سنگین و عذابی هست» (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳). همچنین ایشان فرمود: «آگاه

•••

پیش خودم فکر می‌کردم شاید بهتر از من روی زمین باشد؛ اما هر چه می‌گردم، دور و برم کسی بهتر از من نیست. خدا را شکر! نمازم سر جایش، همیشه در مسجد و به جماعت. با خودم می‌گفتم مگر می‌شود من، بهتر از آنهایی نباشم که نماز صبحشان را در خانه، آن هم وقتی می‌خوانند که خورشید خانم، چند لحظه بعدش از پشت کوه‌ها به آنها سلام می‌دهد؟ ختم صلواتم به راه، روزه‌های مستحبی‌ام را که نگو. مردم، روزه‌های واجبش را هم به زور می‌گیرند.

دیگر بهتر از من کیست؟ کاش می‌دیدمش!

نمی‌دانم بگویم کاش نمی‌شنیدم یا این که بگویم خدا را شکر که شنیدم. هر چه بود، وقتی گوش‌هایم میزبان سخت شدند، بنایی که از خودم ساخته بودم، یک جا روی سرم خراب شد. تو گفتی: «بهترین شما، بهترین‌اند برای خانواده». فکر کنم نگاه مهربان تو بود که یک لحظه مرا از خودم جدا کرد. به خودم نگاهی کردم. من مهربان بودم؛ اما برای اهل محل. خانواده‌ام، سهمی از مهربانی‌ام نداشتند. اگر چه مردم مرا به گذشت می‌شناختند؛ اما به خانه که می‌رسیدم، با هزار بهانه از کنار گذشت، می‌گذشتم و نگاهش نمی‌کردم. من خوب بلد بودم برای مردم، نمایش تواضع را بازی کنم؛ اما خانواده‌ام حتی از تماشای این نمایش هم محروم بودند. روی گشاده‌ام وقتی به خانه می‌رسید، می‌دانست که باید عبوس شود. مثل آن که دو زبان داشته باشم، در خانه را که باز می‌کردم، زبان نرمم، به استراحت می‌رفت و زبان طعنه‌آلود و نیشدارم، کارش را شروع می‌کرد.

باشید که بهترین شما، بهترین برای خانواده‌تان است و من، بهترین شما برای خانواده‌ام هستم» (مکارم الأخلاق، ص ۲۱۶).

بگذار بیش از این خجالت نکشم. تو با سخت، بساطی را که برای خودم پهن کرده بودم، به هم ریختی. حالا می‌فهمم که عمری با توهم بهترین بودن، نفس کشیدم و حالا که تو چشمم را باز کردی، راه نفسم بسته شده.

اما من به همان نگاه مهربان‌ت که چشم مرا به روی خودم باز کرد، امید دارم. تو کمک می‌کنی، می‌دانی؛ و مرا بهترین خواهی کرد، تردید ندارم. این دستی که به سوی تو دراز شده، دست نیاز است؛ ردش نکن.



ما در ابعاد گوناگونی از زندگی پذیرفته‌ایم که باید راه را از چاه، تشخیص داد. قبول کرده‌ایم که بسیاری از کارها مهارت‌هایی لازم دارد که بدون یادگیری آنها، نمی‌توان موفقیت لازم را در آن کار، کسب کرد. باور کرده‌ایم که برای یادگیری برخی از این مهارت‌ها باید وقت ویژه صرف کرد؛ اما نمی‌دانم چرا بسیاری از ما هنوز به این باور نرسیده‌ایم که زندگی مشترک، از بزرگ‌ترین آزمون‌های زندگی هر انسانی بوده، موفقیت در این آزمون حیاتی، نیاز به یادگیری مهارت‌های خاص آن دارد.

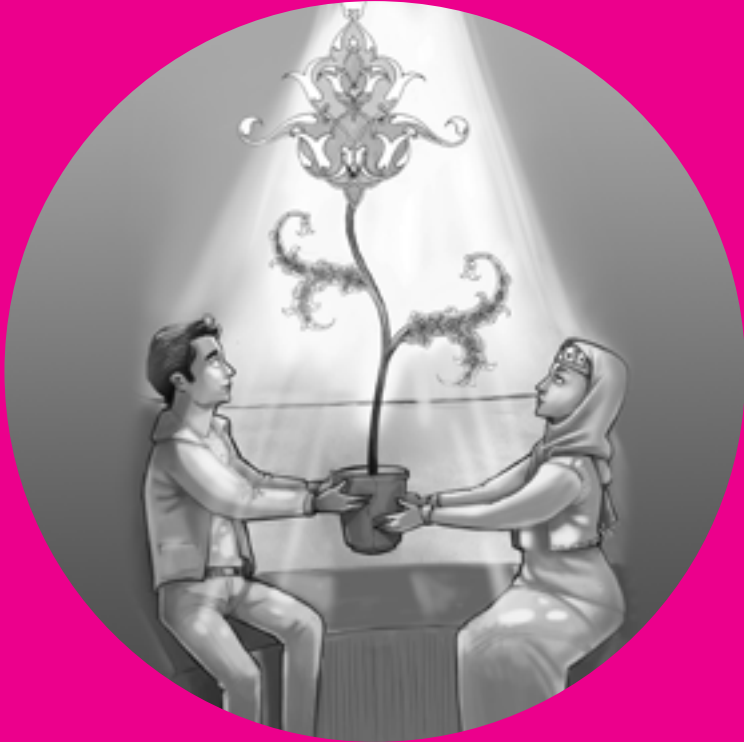
برخی از جوانان، از اختلاف می‌ترسند. وقتی در همان اوایل ازدواج با همسرشان دچار اختلاف می‌شوند، فکر می‌کنند زندگی به آخر رسیده است. از اختلاف، نباید ترسید؛ زیرا اصل اختلاف، امری طبیعی است که در بیشتر خانواده‌ها وجود دارد. وقتی دو انسان که هر کدام برای خود روحیه‌ای خاص دارند، در کنار هم زندگی می‌کنند، بسیاری از کارها و تصمیم‌هایشان به هم گره می‌خورد. در این میان، طبیعی است که در چند مورد از این کارها و

تصمیم‌ها نتوانند با هم کنار بیایند و اختلافی پیش بیاید. پس اصل اختلاف، طبیعی است و ترسی ندارد. آنچه مایه نگرانی است، نوع برخورد با اختلاف است. مشکل بیشتر زوج‌های جوان، آن است که قواعد زندگی مشترک را بلد نیستند و نمی‌دانند چگونه باید با این اختلاف‌ها برخورد کنند.

برخی از مهارت‌ها، ظرافت‌های مخصوص به خود را داشته، شبیه به هنر است؛ یعنی اگر این ظرافت‌ها مراعات نشود، خاصیت خود را نخواهد داشت. زندگی مشترک، علاوه بر این که مهارت‌های مخصوص به خود را دارد، از ظرافت‌های ویژه‌ای نیز برخوردار است که حساسیت یادگیری این مهارت‌ها را دو صد چندان می‌کند.

گام اول

• آمدنم بهر چه بود؟ •



هدف از آفرینش و نقش آن در زندگی مشترک

اگر «برای چه آمدن» خود را فراموش کنیم
«چگونه بودن» را از یاد خواهیم برد.



یادمان باشد که به دنیا آمده‌ایم تا به هدف آفرینش خویش، یعنی خدایی شدن برسیم. راه خدایی شدن هم بندگی است؛ فقط بندگی.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^۱

و جنّ و انس را نیافریدم، جز برای آن که مرا بندگی کنند.

زندگی مشترک، قسمت عمده‌ای از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. زنی که بخش قابل توجهی از روز و شبش را برای همسر و فرزندانش صرف می‌کند، مردی که برای خانواده‌اش وقت می‌گذارد، اگر این مقدار از عمر را در مسیر بندگی قرار ندهد، از هدف آفرینش، فاصله بسیار گرفته است.

برای خدا باید زندگی کرد، برای خدا باید گذشت کرد، برای خدا باید سکوت کرد، برای خدا باید فریاد کشید، برای خدا باید کار کرد، برای خدا باید آسپزی کرد، برای خدا...؛ فقط برای خدا. شاید کامل‌ترین تعبیر در باره «زندگی برای خدا»، تعبیر خود خداوند در قرآن باشد که به پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۱. سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ!

بگو: در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من
و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان
است.

اگر مقصد زندگی خدا شد، خوش حالی‌ها و ناراحتی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و بسیاری از مفاهیم کلیدی زندگی، تعریف جدیدی پیدا می‌کند. شکست، یعنی دور شدن و فاصله گرفتن از مقصد - که همان خداست - و پیروزی، یعنی نزدیک شدن و رسیدن به خدا. چه چیزی مرا خوش حال می‌کند؟ هر چیزی که مرا به خدا برساند. چه چیزی مرا آزرده خاطر می‌کند؟ هر چیزی که مرا از خدا، دور کند.

حالا به این پرسش‌ها جواب دهید: اگر همسرم با عصبانیت با من برخورد کرد و من هم توانستم با حلم و بردباری پاسخش را بدهم، به هدف - که همان خداست -، نزدیک شده‌ام یا دور؟ حال که به او نزدیک شده‌ام، باید خوش حال باشم یا ناراحت؟ باید احساس شکست کنم یا پیروزی؟

اگر همسرم در حق من جفایی کرد، من برای رسیدن به هدف، باید او را ببخشم یا کینه‌اش را به دل بگیرم؟ اگر از خطای او گذشت کردم، باید خوش حال باشم یا ناراحت؟ باید احساس شکست کنم یا پیروزی؟ اگر در زندگی‌ام مشکلی حل ناشدنی وجود داشت و یا این که حل شدنش به زمانی طولانی نیاز داشت و وظیفه من هم صبر

بود، باید خوش حال باشم یا ناراحت؟ باید احساس شکست کنم یا پیروزی؟

اگر شوهر، دستوری برخلاف میل زن بدهد و از چیزهایی باشد که زن باید در آن امور، از شوهرش تبعیت کند، زن باید خوش حال باشد یا ناراحت؟ باید احساس شکست کند یا پیروزی؟ اگر و اگر... اگر هدف زندگی را فراموش نکرده، برای همیشه به آن پای بند باشیم، در هر حالی و تحت هر شرایطی احساس خوش بختی خواهیم کرد.

اگر در این کتاب، «هدف زندگی» با عنوان اولین گام معرفی شده، از آن روست که گام‌های دیگر، تنها با همین نگاه، قابل اجراست؛ و گرنه با نگاه غیر خدایی، این گام‌ها قابل پذیرش و اجرا نیست. این را هم ناگفته نگذاریم که بدون این نگاه، هیچ کس نمی‌تواند طعم شیرین زندگی را بچشد؛ چرا که معنا و مفهوم واقعی زندگی، جز بندگی، چیز دیگری نیست. هر کس در مسیری جز بندگی گام برداشت، به طور حتم، به هر کجا که برسد، شایسته نامی جز «ناکجا آباد» نیست^۱.

معنای حقیقی زندگی، قرار گرفتن در مسیر اجابت دعوت خدا و عمل به دستوره‌های اوست. خداوند مهربان فرموده:

۱. در دعای روزانه ماه رجب، چه زیبا آمده: «خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَزِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجْدَبَ الْمُنتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ؛ کسی که بر غیر تو وارد شود، محروم است و آن که به غیر تو رو کند، زیان‌کار است و هر که به درگاه غیر تو رود، محتاج گشته است و هر کس از غیر فضل و کرم تو در خواست کند، بی‌برگ و نواست» (مصباح‌المتهجد، ص ۳۶۹).